

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۸/۱۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۲/۹

فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌سنجی

دوره هشتم، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۹۸

صفحات: ۶۳ - ۸۱

ساخت، استانداردسازی و هنجاریابی پرسشنامه باجگیری عاطفی design, standardize and normalize an emotional blackmail inventory

سپیده رحمت؛ دکتر شیدا سوداگر؛ دکتر فرهاد جمهری^۲

Abstract

The objective of the present survey is to design, standardize and normalize an emotional blackmail inventory. The population considered for the present study comprises all students who had enrolled at universities across Tehran in the 2014-2015 school year. Branch 34 of University of Applied Science and Technology was chosen at random among universities and 10 classrooms were selected so that all students in those classrooms would be sampled. Then by applying methods of research, the samples were evaluated. Our research tools include a researcher-made questionnaire for emotional blackmail and questionnaires for love syndrome and love trauma. The research data were analyzed by Loop method, confirmatory factor analysis (CFA), convergent validity and test-retest reliability. The statistical analyses showed that the researcher's hypothesis about the three-factorial

چکیده

پژوهش حاضر به منظور ساخت، استانداردسازی و هنجاریابی پرسشنامه باج‌گیری عاطفی^۴ در روابط عاشقانه صورت گرفته است. جامعه آماری مورد مطالعه شامل کلیه دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران است که در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ مشغول به تحصیل بوده‌اند. از میان جامعه آماری یادشده ۴۰۰ نفر بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. بدین صورت که ابتدا از بین کلیه دانشگاه‌های شهر تهران، دانشگاه جامع علمی کاربردی واحد ۳۴ به صورت تصادفی انتخاب و در این میان کلیه دانشجویان ۱۰ کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند و سپس مورد نمونه‌گیری قرار گرفتند. افراد گروه نمونه با استفاده از ابزارهای پژوهش، مورد ارزیابی قرار گرفتند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه محقق ساخته باج‌گیری عاطفی و پرسش‌نامه‌های نشانگان عشق و ضربه عشق است. داده‌های

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران.

Email: sepideh.rahmat1988@gmail.com

۲. استادیار گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۳. استادیار گروه روانشناسی بالینی، واحد تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

4. Emotional Blackmail

nature of the emotional blackmail questionnaire is confirmed. These three factors were finally named fear, obligation and guilt

Keywords: standardization, normalization, emotional blackmail, love syndrome, love trauma

پژوهش بر اساس روش لوپ، تحلیل عاملی تأییدی، شواهد همگرا و بازآزمایی تجزیه و تحلیل شدند. بر اساس تحلیل‌های آماری، فرضیه پژوهشگر مبنی بر سه عاملی بودن پرسش‌نامه باج‌گیری عاطفی شامل احساس ترس، احساس تعهد و احساس گناه تأیید می‌شود

واژه‌های کلیدی: استانداردسازی، هنجاریابی، باجگیری عاطفی، نشانگان عشق، ضربه عشق

مقدمه

عشق نیرویی تقدیری است که قدرتش از بهشت به جهنم می‌رسد. عشق می‌تواند پدیده‌ای اخلاقی، اجتماعی، روان‌شناسانه، فلسفی، زیبایی‌شناسانه، مذهبی، پزشکی، حقوقی یا فیزیولوژیکی باشد. صمیمت، بهشت و فقدان، جهنم آن است. (تی کوئینک، ال کوئینک، به نقل از یونگ، ۱۹۹۷)

عشق و فقدان دو روی یک سکه‌اند، بی‌تردید هر رابطه‌ای با مرگ یا جدایی خاتمه می‌یابد و تجربه عشق به رویارویی اجتناب‌ناپذیر فقدان می‌انجامد. در واقع، با درک ماهیت و الگوی عشق، فهم دقیق سوگ و سوگواری میسر می‌گردد. اما به‌طور متقابل، درک فقدان یک ایژه^۱ عشقی نیز ماهیت عشق را بر ما آشکار می‌کند، یعنی کیفیت تجربه فقدان انعکاسی از کیفیت روابط پیش از فقدان است، فقدان پیامد شایع عشق است، هزینه‌ای که باید پرداخته شود. (پارکیس، ۲۰۰۶)

احساس فراق، تنهایی و جست‌وجوی تعلق از ابتدای حیات در درون آدمی وجود داشته است و ریشه در جهان‌بینی و نگرش او دارد و حاکی از آن است که انسان را گم‌شده‌ای هست که حرارت جست‌وجوی آن از نخستین نفس‌ها و اشک‌ها تا آخرین دم حیات در اندرون دل بی‌قرارش به خاموشی نمی‌گراید. این میل و کشش و این دغدغه خاطر برای یافتن تکیه‌گاهی امن که آرامش، اطمینان و امید را به ارمغان آورد زیربنایی‌ترین میل و سرنوشت‌سازترین عامل در شکل‌گیری سلامت انسان است. این احساس و میل به جست‌وجو برای آرام‌کردن حس ناگوار و تلخ تنهایی و روشن کردن چراغ امید در دل آدمی همیشه همراه او بوده و نقطه آغازین و پدیداری آن در زندگی دنیوی، همان احساس تعلق و دلبستگی نوزاد به مادر است. (به نقل از بهرامی، ۱۳۹۲)

با توجه به اینکه تجربه هر فقدانی را می‌توان باز-فراخوانی و حل‌وفصل دوباره فرآیند جدایی-تفرد دانست، در نتیجه پرداختن به فقدان ناشی از روابط رمانتیک، به عنوان یک فقدان مهم و معنادار، به‌ویژه در اوایل دوره جوانی مسئله‌ای مهم تلقی می‌شود. (دهقانی، ۱۳۸۹)

به طور کلی می‌توان گفت که پژوهش‌های محدودی بر روی فرایند ضربه عشق و باج‌گیری عاطفی و دلایل احتمالی آن صورت گرفته است. ادبیات پژوهشی سوگ، سوگواری و داغ‌پدگی ناشی از فروپاشی ارتباط با یک ابژه عشقی و ارتباط آن با احساس تعلق و دلبستگی نوزاد به مادر در نخستین سال‌های زندگی و ارتباط آن با واکنش‌های اضطرابی و اعتراض‌های هیجانی قوی بسیار محدود است. (دهقانی، ۱۳۸۹)

اصطلاح باج‌گیری عاطفی اولین بار در مقاله «باجگیری عاطفی در محیط» در مجله *انجمن ملی زنان رئیس دانشگاه آمریکا* در سال ۱۹۴۷ مطرح شد. در این مقاله اصطلاح باج‌گیری عاطفی برای توصیف مدلی استفاده شد که معلمان اغلب برای کنترل کلاس به کار می‌بردند. (بی‌نا، ۱۹۴۷)

افزون بر آن، ایستر ویلار، پزشک آرژانتینی، در اوایل دهه ۱۹۷۰ از اصطلاح باج‌گیری عاطفی برای توصیف استراتژی رفتاری برخی مادران با فرزندان متعدد استفاده کرد. (فلپس و اوستین، ۱۹۸۷)

سوزان فوروارد، روان‌درمانگر آمریکایی، اصطلاح باج‌گیری عاطفی را به صورت عامیانه درباره روابط کنترل‌گرانه یکی از طرفین رابطه‌های نزدیک مطرح کرد. این نظریه شامل سه عامل ترس، تعهد و احساس گناه است که برای پویایی رابطه بین کنترل‌گر و شخص کنترل‌شونده به کار گرفته می‌شوند. شناختن این مجموعه عوامل برای افرادی که می‌خواهند با رفتارهای خودخواهانه، کنترل‌گرانه و نامطلوب مقابله کنند مفید است. (جانسون، ۲۰۱۴)

باج‌گیری عاطفی معمولاً بین دو نفر به وجود می‌آید که روابطی بسیار نزدیک دارند مانند روابط والدین و فرزندان، همسران، خواهران و برادران و دوستان صمیمی. همچنین کودکان برای مطرح کردن و توسعه خود در سیستم خانواده به طور ویژه از باج‌گیری عاطفی استفاده می‌کنند. (راپورت، نیل، ۲۰۰۲: ۱۴۱)

باج‌گیران عاطفی از سه عامل ترس، تعهد و احساس گناه استفاده می‌کنند تا خواسته‌هایشان را به دیگران تحمیل کنند. آن‌ها از احساس ترس برای حصول اطمینان از اینکه دیگری آن‌ها را ترک نمی‌کند، متعهد کردن دیگری برای ماندن در رابطه و ایجاد احساس گناه در صورت مقاومت طرف مقابل در برابر خواسته‌های غیرمنطقی‌شان. (میلر، ۲۰۰۴: ۵۲)

باج‌گیری عاطفی مقوله مهمی است که درست زیر سطح درک ما قرار دارد. به محض آنکه در قلمرو باج‌گیری قرار می‌گیریم، قوه قضاوتمان مبهم و مه‌آلود می‌گردد. مه (FOG) به معنای ترس (fear)، تعهد (obligation) و گناه (guilt) است؛ سه احساسی که باج‌گیر در ما تقویت می‌کند. (فوروارد، ۱۹۹۷)

همه ما با مقدار معینی از احساس‌های ترس، تعهد و گناه زندگی می‌کنیم. آرزو می‌کنیم که می‌توانستیم ساعت را به عقب برگردانیم و عملی را که موجب آزرده‌گی مان شده است پاک کنیم. برای کارهایی که نیمه‌تمام رها کرده‌ایم، تأسف می‌خوریم. این عواطف محور هستی ما در جهان و

زندگی در کنار دیگران است و در اغلب موارد طوری با آن‌ها کنار می‌آییم که نتوانند بر ما غلبه کنند؛ با این تفاوت که باج‌گیرها این صداها را درونی و یا وجدانمان را بلندتر و تقویت می‌کنند و موجب ناراحتی‌مان می‌شوند. اگرچه به نظر می‌رسد چنین جریانی با برنامه‌ریزی دقیق و قبلی طراحی می‌شود، اغلب باج‌گیرها ما را بدون هر نوع طراحی آگاهانه ایجاد می‌کنند. باج‌گیران عاطفی راهکارهای آگاهانه و ناآگاهانه خود را بر اساس اطلاعاتی که درباره ترس‌هایمان به آن‌ها می‌دهیم خلق می‌کنند و در واقع، یکی از دردناک‌ترین جنبه‌های باج‌گیری عاطفی این است که اعتمادی را که به باج‌گیر داریم و بر مبنای آن رابطه‌مان را از سطحی ناچیز به مقامی بالاتر رسانده‌ایم و حرف دلمان را برایش زده‌ایم، نابود می‌کند. (همان)

نخستین برخورد ما با ترس در دوران طفولیت اتفاق می‌افتد، زمانی که بدون توجه و مراقبت اطرافیانمان نمی‌توانستیم به زندگی ادامه دهیم. این احساس درماندگی منجر به احساس طردشدگی می‌گردد که برخی افراد هرگز از آن رهایی نمی‌یابند. برای ما انسان‌ها تصور محروم‌ماندن از حمایت و عشق کسانی که دوستشان داریم تحمل‌ناپذیر است. این امر باعث می‌شود ترس از طردشدن به شکل یکی از قوی‌ترین و مؤثرترین احساسات ما درآید که به سادگی ما را هدف باج‌گیران قرار می‌دهد. روابط صمیمانه بزرگ‌ترین ترس‌های ما را ظاهر می‌کند، چون در این مرحله است که احساس آسیب‌پذیری شدید می‌کنیم. شاید تمام عمرمان را با فعالیت‌های سطح بالا بگذرانیم، اما تنها احساس طردشدگی از جانب نامزد، همسر و یا یکی از عزیزان است که بلافاصله ما را درهم می‌شکند.

گاهی ترس از طردشدگی چنان کورکننده است که اجازه نمی‌دهد به حقیقت این مسأله برسیم که در دام یک باج‌گیری عاطفی قرار گرفته‌ایم و به‌جای یافتن راه‌حلی سالم، با آزرده‌گی خاطر تسلیم باج‌گیر می‌شویم. این در حالی است که افرادی که در دام باج‌گیر افتاده‌اند گاهی از خود می‌پرسند آیا بدون او زندگی بهتری نداشتیم و یا غیره. ترس موجب بروز افکار وحشتناک و فاجعه‌آمیزی در ذهن ما می‌گردد. گاهی در بین مراجعین درگیر در دام باج‌گیری مشاهده شده که به دلیل ترسی که فرد نسبت به از دست دادن عزیزش که در واقع نقش یک باج‌گیر عاطفی را دارد، در مقابل تمامی خواسته‌های او تسلیم می‌شود و رفته رفته به دلیل فشار و ناراحتی‌ای که برایش ایجاد می‌شود در چاهی تاریک سقوط می‌کند. در این حالت چاره کار این است که با کارکردن بر روی بخشی از ارتباط میان آن دو نفر که موجب ناراحتی هر دویشان می‌شود کار کرد و کوشید تا ترس طرف مقابل باج‌گیر را برطرف ساخت.

باج‌گیرها در آزمودن احساس تعهد هیچ دریغی نمی‌کنند و حتی برای تقویت نمایش خود متوسل به سنت‌های اجتماعی و گاهی مذهبی می‌شوند تا هدف آن‌ها بداند که تا چه اندازه زیر دین آنان قرار دارد، مثلاً من تمام وقت برای این خانواده کار می‌کنم و تو کمترین کاری که می‌توانی بکنی، در زمان آمدن من در خانه باشی. باج‌گیرها ما را برای رابطه دادن و گرفتن قدم برمی‌دارند، و به

طرف مقابلشان می‌فهماند وظیفه دارد که خواسته‌شان را برآورده سازد. بسیاری از افراد استثمارشده به دلیل احساس تعهدشان دست به انجام کاری می‌زنند که به نفع همه جز خودشان است و وقتی احساس مسئولیت‌مان قوی‌تر از حرمت نفسمان است، باج‌گیرها خیلی زود یاد می‌گیرند که چطور از آن سوءاستفاده کنند. تعهد احساسی است که به دشواری می‌توان تعادلش را در زندگی حفظ کرد. نادیده‌گرفتن آن باعث شانه خالی‌کردن از بار مسئولیت‌هایمان می‌شود و افراط در آن شانه‌هایمان را زیر بار مسئولیت‌های اجتناب‌ناپذیر خم می‌کند و در ما ناراضی‌تی و آزرده‌گی می‌آفریند. (فوروارد، ۱۹۹۷)

در رابطه دو انسان، غیر معمول نیست که نقش‌ها تغییر یابد و هریک از آن‌ها هم نقش قربانی را بازی کند و هم نقش باج‌گیر را. شاید یکی از دو نفر باج‌گیری بیشتری بکند، اما به‌ندرت اتفاق می‌افتد که باج‌گیری یک‌طرفه باشد. باج‌گیری را به سادگی می‌توان تقلید کرد. اگر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی را زیر پا بگذاریم، وجدانمان با استفاده از احساس گناه، ما را دستخوش ناراحتی و سرزنش خود می‌کند. گناه بخش مهمی از موجودیت انسانی مسئول و با احساس است. ما برای اجتناب از احساس گناه، سعی می‌کنیم از آزار دیگران اجتناب کنیم. متأسفانه احساس گناه می‌تواند به سادگی رفتارمان با دیگران را به غلط تعبیر کند، درست مثل آژیر حساس اتومبیلی که قرار است به هنگام دزدی به صدا در بیاید، اما با گذشتن هر کامیونی از کنارش، صدای آن بلند می‌شود. وقتی چنین اتفاقی رخ می‌دهد نه تنها احساس گناهی که توصیف شد را تجربه می‌کنیم بلکه غم و غصه - ای ما را فرامی‌گیرد که ارتباطی با تشخیص و اصلاح رفتار آزردهنده‌مان ندارد؛ در واقع، از تجربه احساس گناهی ناحق بی‌نصیب نماندیم. این احساس گناه ناحق که دارای لایه‌هایی از سرزنش و اتهام فلج‌کننده است از سمت باج‌گیر فرستاده می‌شود و جریان آن در ما به این شکل است که: من کاری را انجام می‌دهم، طرف مقابل ناراحت می‌شود؛ من مسئولیت کامل را در مورد ناراحتی طرف مقابلم به عهده می‌گیرم، چه ارتباطی با من داشته باشد و چه نداشته باشد. احساس گناه می‌کنم و برای جبران آن دست به هرکاری می‌زنم تا حالم را بهتر کنم. (فوروارد، ۱۹۹۷)

باج‌گیرهای عاطفی ما را تشویق می‌کنند تا مسئولیت هر نوع شکایت و ناراضی‌تی‌شان را بر عهده بگیریم و آنچه از دستشان برمی‌آید انجام می‌دهند تا سازوکار طبیعی احساس گناهی را که در وجود هرکسی الزامی است، از نو برنامه‌ریزی کنند و به شکل احساس گناه ناحق درآورند، به‌گونه‌ای که بی‌وقفه به ما یادآوری کنند که ما گناهکاریم. یکی از سریع‌ترین روش‌هایی که باج‌گیرها برای القای احساس گناه ناحق به قربانی خود به‌کار می‌گیرند، استفاده از سرزنش و نسبت‌دادن همه مشکلات و ناراحتی‌های خود به قربانی است. زمانی که قربانی ناراحتی عزیزش را می‌بیند گرایش دارد که خود را سرزنش کند و باج‌گیر با کمال میل حاضر است توضیح دهد که چرا و چطور طرف مقابلش مسئول چنین موقعیتی است و خودش مبرا از هر مسئولیتی است. و قربانی برای نجات از ناراحتی و احساس گناه خیلی ساده تسلیم باج‌گیر می‌شود؛ اما احساس آزرده‌گی خاطر و نفرت از

خود که در وجود قربانی شکل می‌گیرد، بسیار فرساینده است. این افراد سرانجام در می‌یابند آنچه به نظرشان زندگی زناشویی و یا رابطه نامزدی می‌رسید، جز قالبی تو خالی نبوده. حتی اگر احساس گناهی که به ما دست داده است به حق باشد، باج‌گیر اجازه نمی‌دهد آن‌را فراموش کنیم و یا از عمل نادرستمان درس عبرت بگیریم و رفتارمان را اصلاح کنیم. در این حالت ممکن است ارتباط پابرجا بماند، اما اعتماد و نزدیکی و صمیمیت را نابود می‌کند. (فوروارد، ۱۹۹۷)

همان‌طور که در تعریف مفهوم باج‌گیری عاطفی نیز یافت می‌شود، در واقع، شخص به علت ناتوانایی در ایجاد ارتباطی سالم و آرام دست به هرکاری می‌زند تا در رابطه خطر جدایی او را تهدید نکند و در این مسیر شاید به دلیل نداشتن مهارت‌های صحیح عشق‌ورزی و تزلزل‌های ناشی از سبک‌های دل‌بستگی نایمن، خواه آگاهانه یا ناآگاهانه دچار باج‌گیری عاطفی و مهرطلبی افراطی شود و سرزنش، تهدید، مقایسه‌های منفی، تلقین احساس گناه و غیره را به شکل پرخاشگرانه و یا فرورفتن در قعر سکوت در روابط صمیمانه، عاطفی و عاشقانه خود ابراز نماید. (فوروارد، ۱۹۹۷)

باج‌گیری عاطفی شکل بسیار مؤثری از استثمار است که در آن نزدیکان ما به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم ما را تهدید می‌کنند که اگر کاری را مطابق میل آن‌ها انجام ندهیم، تنبیه می‌شویم. هدف‌گیری باج‌گیران عاطفی دقیق است، آن‌ها می‌دانند که رابطه ما با آن‌ها برایمان تا چه اندازه اهمیت دارد. (کریستی و گایس، ۱۹۷۰)

برخی محققان برای توضیح شکل استثمارگرانه باج‌گیری عاطفی، آن را شکلی از گرایش‌های ماکیاولیستی می‌دانند.

ماکیاولیسم ویژگی شخصیتی منفی است که در نوشته‌های نیکولو ماکیاولی در قرن ۱۶ مطرح گردید. بر اساس نوشته‌های وی شخص ماکیاولیسم با اجبار، تهدید، حيله‌گری و القای باورهای غلط از دیگران سوءاستفاده می‌کند. (شیو یو چان، ۲۰۱۰)

در ادامه، پیش از آنکه رفتار کسی را باج‌گیری عاطفی بخوانیم، باید این رفتار و ترکیبات آن را بشناسیم و این اختلال را تشخیص دهیم.

شش نشانه رفتاری که به دنبال هم ایجاد می‌شوند و در روابط فردی و عاشقانه دیده می‌شوند، عبارت‌اند از:

۱. **خواسته:** که گاه به صورت مستقیم و با صراحت و یا گاهی به صورت غیرمستقیم مطرح می‌شود.

۲. **مقاومت:** حالتی است که در برابر تغییر یا به صورت صریح از سوی یکی از طرفین رابطه ابراز می‌شود که در صورت مشاهده رنجش شخص مقابل ممکن است به صورت غیرمستقیم یا با کم‌کردن توجه و محبت برای رسیدن به میل درونی خود در مقابل شریک عاطفی‌اش ایستادگی کند.

۳. **فشار:** که در این مرحله فرد باج‌گیر اصلاً تلاشی برای درک احساسات فرد مقابل نمی‌کند.

۴. **تهدید:** باج‌گیرها ممکن است ما را تهدید به درد و رنج و اندوه کنند و احساس تعهد ما را تحریک نمایند.

۵. **تسلیم:** فرد در مقابل باج‌گیر دست از مقاومت برمی‌دارد.

۶. **تکرار:** در این مرحله، باج‌گیر به خواسته‌اش رسیده است و پیش‌زمینه‌ای برای الگویی از تقاضاهای نامعقول، فشار، و استثمار آماده می‌کند. (فوروارد، ۱۹۹۷)

این شش خصوصیت در قلب نشانه‌های باج‌گیری عاطفی قرار دارند.

می‌توانیم به راحتی باج‌گیری عاطفی را از عکس این حالت تشخیص دهیم. اگر کسی بخواهد حرف خود را به کرسی بنشانند، تلاش می‌کند با نادیده‌گرفتن اعتراض‌های طرف مقابل و اصرار بر برتری شخصیت و انگیزه‌های خود، شرایط را تحت سلطه‌اش قرار دهد و مسئولیت بخشی از اختلافات را نپذیرد. این در حالی است که شخصی عادی با صراحت اختلافاتش را بیان و احساسات و نگرانی‌های طرف مقابلش را درک می‌کند و دلیل مقاومت او را در برابر خواسته‌اش متوجه می‌شود و مسئولیت بخشی از اختلافات را می‌پذیرد. (همان)

اگر باج‌گیران عاطفی تشخیص دهند که کسی به دنبال عشق می‌گردد یا نیاز به تأیید هویتش دارد و یا می‌خواهد از این طریق اعتمادبه‌نفس به‌دست آورد، او را به دام می‌اندازند. پس از شکل‌گیری رابطه، باج‌گیر عاطفی مدام وی را تهدید می‌کند که ممکن است وی را ترک کند؛ بدین ترتیب کسی که در دام چنین باج‌گیری افتاده است، به این نتیجه می‌رسد که باید مدام با طرف مقابلش موافقت کند، حتی اگر به‌نظر غیرمنطقی باشد. (میلر، ۲۰۰۴)

وقتی باج‌گیری عاطفی در رابطه‌ای رخنه می‌کند، در فضای اطرافمان تغییری را احساس می‌کنیم، رابطه به بن‌بست می‌رسد و تهدید و فشار به شکل بخشی از زندگی روزانه درمی‌آید. سردی رابطه را دربرمی‌گیرد و باعث می‌شود انعطاف‌پذیری خود را از دست بدهیم و نتوانیم در مراحل حساس، زندگی‌مان را هدایت کنیم و درباره جزئیات زندگی روزانه‌مان با همدیگر مشورت کنیم. زمانی که میل به سازش در ما وجود دارد، با وجود اختلافات معمولی بی‌آنکه احساسات منفی آزارمان دهد، تسلیم می‌شویم و غرور و توانمان را احیا می‌کنیم. در عین حال از طرف مقابل انتظار داریم که گه‌گاه اجازه دهد به میل خودمان رفتار کنیم. (فوروارد، ۱۹۹۷)

کسی که رفتارهای کنترل‌گرانه دارد، اغلب چیزهایی را از دیگران می‌خواهد که خواسته‌هایی معقول به‌نظر می‌رسند. آن‌ها شاید محبت، احساس امنیت، ارزشمندی، قدردانی، حمایت و... بخواهند که این خواسته‌ها مشکلی ایجاد نمی‌کنند؛ اما مشکل اغلب در چگونگی دریافت این خواسته‌ها و بی‌عاطفگی و بی‌توجهی به احساسات کسانی است که قرار است این خواسته‌ها را برآورده سازند که اغلب با مزاحمت و اجبار از جانب شخص دریافت‌کننده همراه است. (جانسون، ۲۰۱۴)

فرد وابسته از اینکه طرف مقابلش بخواهد زمانی را به خود اختصاص دهد و بدون او سپری کند، دچار احساس ترس شدید شده و تصور می‌کند کنار گذاشته شده است. و به جای اینکه درباره ترس‌هایشان با کسی حرف بزنند، آن را پنهان می‌سازند. (فوروارد، ۱۹۹۷)

شخصی که دوران کودکی سختی را گذرانده است در بزرگسالی ممکن است بسیار وابسته باشد، به همین علت نیز احساس امنیت نمی‌کند. نامزد و یا همسر او ممکن است این فرد را سرزنش نکند و حتی بعضی اوقات نیز از داشتن چنین همسری که دیوانه‌وار عاشقش است و طاقت حتی یک دوری کوتاه‌مدت را ندارد، احساس شادی کند. اما کم‌کم از رفتارهای وی خسته می‌شود و تصور می‌کند که نامزد او با القای احساس گناه می‌خواهد به همه خواسته‌هایش برسد و او همانند فردی بی‌عرضه همیشه در برابر نامزد باج‌گیرش تسلیم است. (شیری، ۱۳۹۳)

درک و محبت کردن به شخص باج‌گیر بی‌فایده است و در واقع، آتش این افراد را شعله‌ورتر می‌سازد. زمانی که باج‌گیری عاطفی بر رابطه حاکم شود تعادل قدرت از بین می‌رود، یعنی همیشه یکی از دو طرف به خواسته‌اش می‌رسد. افراد باج‌گیر به آشکارترین شکل ممکن باج‌گیری می‌کنند. آن‌ها خواسته‌هایشان را به شکل پرخاشگرانه‌ای ابراز می‌کنند و یا در قعر سکوت فرومی‌روند، اما در هر دو صورت خشمی که احساس می‌کنند، مستقیماً متوجه شخص مقابل می‌شود. (فوروارد، ۱۹۹۷)

این افراد سرزنش‌کنندگان ماهری هستند که احساس گناه شدیدی به طرف مقابل القا می‌کنند و روشن می‌سازند که خواسته‌شان را فقط شخص مقابل او می‌تواند برآورده سازد و پاسخگو باشد. (فوروارد، ۱۹۹۷)

با توجه به مطالب ذکر شده و عدم مشاهده پرسشنامه باج‌گیری عاطفی در منابع انگلیسی نیز فقدان چنین ابزار استانداردشده‌ای که به زبان فارسی باشد، برای سنجش باج‌گیری عاطفی احساس می‌شود. بنابراین هدف اصلی پژوهشگر در پژوهش حاضر ساخت، استانداردسازی و هنجاریابی پرسشنامه باج‌گیری عاطفی است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از جمله پژوهش‌های غیرآزمایشی و از نوع همبستگی است. به منظور بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه باج‌گیری عاطفی محقق ساخته از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری (تحلیل عاملی تأییدی) استفاده شد که در آن به بررسی روابط درونی بین متغیرها در قالب کشف و تبیین مدل خواهد پرداخت و هدف از آن بررسی رابطه سازه‌های نهان‌برون‌زا و درون‌زای موجود در مدل است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران است که در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ مشغول به تحصیل بودند. از جامعه آماری یاد شده ۴۰۰ نفر بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. بدین صورت که ابتدا از بین کلیه دانشگاه‌های شهر تهران، دانشگاه جامع علمی کاربردی واحد ۳۴، مرکز آموزش عالی آزاد

انفورماتیک تهران، مرکز آموزش علمی کاربردی مخابرات، مرکز آموزش صنایع و معادن ایران و مرکز آموزش گروه پزشکی سینا انتخاب و از هر دانشگاه ۲ کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند و سپس کلیه دانشجویان این کلاس‌ها مورد نمونه‌گیری قرار گرفتند.

با در نظر گرفتن این موضوع که بخشی از پژوهش حاضر ساخت پرسشنامه باجگیری عاطفی بر اساس روش تحلیل عاملی تأییدی است و تحلیل‌های همبستگی از نوع رگرسیونی و مدل معادلات ساختاری عمدتاً نیازمند نمونه‌های زیاد است، در این پژوهش ۴۰۰ نفر از دانشجویان به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند.

درباره حجم نمونه در پژوهش‌های مربوط به روش تحقیق همبستگی از نوع مدل معادلات ساختاری نظراتی گوناگون وجود دارد؛ اما همگی بر این موضوع توافق نظر دارند که مدل معادلات ساختاری شبیه تحلیل عاملی از فنون آماری است که با نمونه بزرگ قابل اجرا است. (تاباچنیک و فیدل، ۲۰۰۱). بومسما^۲(۱۹۸۳) حجم حداقل ۲۰۰ نفر را برای برازش مدل کافی دانسته است. بر اساس اندازه اثر مورد انتظار و توزیع متغیرهای اندازه‌گیری شده و همچنین لحاظ توان آزمون، به ازای هر پارامتر برآورد شده حداقل ۱۰ آزمودنی ممکن است کافی باشد، به شرط اینکه اندازه برآورد اثر بزرگ باشد و متغیرهای اندازه‌گیری شده دارای توزیع نرمال باشند. (تاباچنیک و فیدل، ۲۰۰۱). در نهایت، پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها و کنار گذاشتن پرسش‌نامه‌های ناقص، پرسشنامه‌های ۳۰۴ نفر تحلیل شدند.

ملاک‌های ورود به پژوهش شامل: دانشجوی بودن، داشتن سابقه رابطه عاطفی و ملاک خروج، داشتن سن بالای ۴۵ سال و زیر ۱۸ سال و عدم دریافت مداخلات روانپزشکی طی یک سال گذشته بود.

ابزار پژوهش

• **پرسش‌نامه ضربه عشق (LTI):** مقیاسی است که راس (۱۹۹۹) برای سنجش شدت ضربه عشق تهیه کرده است. این پرسش‌نامه از ۱۰ ماده تشکیل شده است که هر ماده چهار گزینه‌ای است و فرد لازم است تا براساس تجربه ضربه عشقی خود مناسب‌ترین گزینه را انتخاب کند. این پرسش‌نامه ارزیابی کلی از میزان آشفتگی جسمی، هیجانی، شناختی و رفتاری ارائه می‌کند. نمره ۲۰ به عنوان نقطه برش در این پرسش‌نامه در نظر گرفته می‌شود. (راس، ۱۹۹۹). ضریب همسانی درونی (ضریب آلفا) این پرسش‌نامه در یک گروه ۴۸ نفری از جمعیت دانشجویی ۰/۸۱ است و ضریب اعتبار آن در همین گروه با روش بازآزمایی به فاصله یک هفته ۰/۸۳ بدست آمده است.

(دهقانی و همکاران، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر نیز اعتبار پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۴ به دست آمد.

• **پرسش‌نامه باج‌گیری عاطفی (محقق ساخته):** به منظور ساخت این پرسش‌نامه ابتدا ۷۲ پرسش پنج گزینه‌ای بر اساس پیشینه و مبانی نظری باج‌گیری عاطفی تدوین شد. در مرحله بعد این پرسش‌ها در اختیار پنج نفر از متخصصان قرار گرفت و پس از ارائه اصلاحات روایی، صوری و محتوایی آن را تأیید کردند. در راستای نهایی شدن پرسش‌نامه با استفاده از نظریه‌های کلاسیک اندازه‌گیری موارد زیر انجام شده است: تجزیه و تحلیل پرسش‌ها؛ بررسی پایایی آزمون؛ بررسی روایی آزمون^۳ (همبلتون و سوامیناتان، ۱۹۸۵؛ نانالی و برنشتاین، ۱۹۹۴) همچنین در این پژوهش روایی سازه پرسش‌نامه مربوط با استفاده از تحلیل عامل تأییدی مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه شاخص‌های توصیفی و روانسنجی پرسش‌های پرسش‌نامه‌ها ارائه شده است.

یافته‌ها

به منظور بررسی تحلیل پرسش‌ها از روش لوپ استفاده شد که شامل میزان همبستگی هر گویه با کل پرسش‌نامه و نیز میزان پایایی کل پرسش‌نامه به ازای حذف گویه مورد نظر است. در ادامه جدول پایایی این متغیر گزارش شده است:

جدول ۱: شاخص‌های روان‌سنجی پرسش‌های پرسش‌نامه باج‌گیری عاطفی

پایایی مقیاس	همبستگی گویه	پایایی با حذف سؤال	همبستگی گویه	پایایی با حذف سؤال	پایایی با حذف سؤال
سؤال ۱	۰/۴۸	۰/۹۶۴	سؤال ۳۷	۰/۶۹	۰/۹۶۴
سؤال ۲	۰/۵۰	۰/۹۶۴	سؤال ۳۸	۰/۳۴	۰/۹۶۵
سؤال ۳	۰/۳۹	۰/۹۶۴	سؤال ۳۹	۰/۴۸	۰/۹۶۴
سؤال ۴	۰/۵۲	۰/۹۶۵	سؤال	۰/۴۹	۰/۹۶۴

باج‌گیری عاطفی
۱۰/۱۹۶۱۰

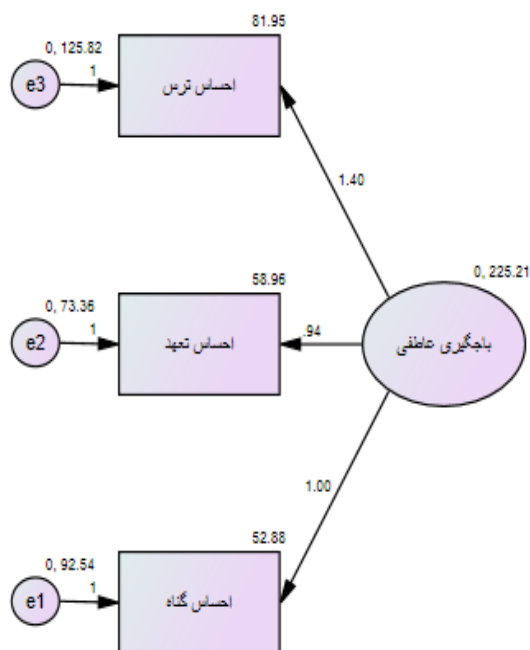
- 1 Field testing the items
- 2 Reliability studies
- 3 Validity studies

پایایی با حذف سؤال	همبستگی گویه با کل آزمون	گویه	پایایی با حذف سؤال	همبستگی گویه با کل آزمون	گویه	پایایی مقیاس
		۴۰				
۰/۹۶۴	۰/۴۹	سؤال ۴۱	۰/۹۶۴	۰/۳۹	سؤال ۵	
۰/۹۶۵	۰/۴۰	سؤال ۴۲	۰/۹۶۴	۰/۶۳	سؤال ۶	
۰/۹۶۴	۰/۵۲	سؤال ۴۳	۰/۹۶۵	۰/۶۲	سؤال ۷	
۰/۹۶۴	۰/۲۸	سؤال ۴۴	۰/۹۶۴	۰/۳۴	سؤال ۸	
۰/۹۶۴	۰/۱۵	سؤال ۴۵	۰/۹۶۴	۰/۶۲	سؤال ۹	
۰/۹۶۴	۰/۱۲	سؤال ۴۶	۰/۹۶۴	۰/۵۹	سؤال ۱۰	
۰/۹۶۴	۰/۲۱	سؤال ۴۷	۰/۹۶۵	۰/۴۰	سؤال ۱۱	
۰/۹۶۴	۰/۲۲	سؤال ۴۸	۰/۹۶۴	۰/۴۳	سؤال ۱۲	
۰/۹۶۴	۰/۵۶	سؤال ۴۹	۰/۹۶۴	۰/۵۹	سؤال ۱۳	
۰/۹۶۴	۰/۴۹	سؤال ۵۰	۰/۹۶۴	۰/۵۸	سؤال ۱۴	
۰/۹۶۴	۰/۴۸	سؤال ۵۱	۰/۹۶۴	۰/۵۱	سؤال ۱۵	
۰/۹۶۴	۰/۴۹	سؤال ۵۲	۰/۹۶۴	۰/۷۲	سؤال ۱۶	
۰/۹۶۴	۰/۴۹	سؤال ۵۳	۰/۹۶۴	۰/۳۸	سؤال ۱۷	
۰/۹۶۴	۰/۴۰	سؤال ۵۴	۰/۹۶۴	۰/۶۵	سؤال ۱۸	

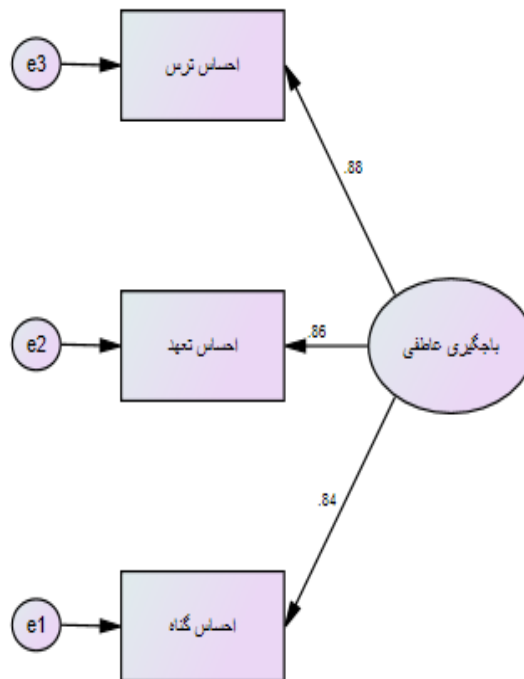
پایایی با حذف سؤال	همبستگی گویه با کل آزمون	گویه سؤال	پایایی با حذف سؤال	همبستگی گویه با کل آزمون	گویه سؤال	پایایی مقیاس
۰/۹۶۴	۰/۵۲	سؤال ۵۵	۰/۹۶۴	۰/۵۸	سؤال ۱۹	
۰/۹۶۴	۰/۲۸	سؤال ۵۶	۰/۹۶۵	۰/۵۶	سؤال ۲۰	
۰/۹۶۴	۰/۱۵	سؤال ۵۷	۰/۹۶۴	۰/۴۳	سؤال ۲۱	
۰/۹۶۴	۰/۱۲	سؤال ۵۸	۰/۹۶۴	۰/۵۰	سؤال ۲۲	
۰/۹۶۴	۰/۲۱	سؤال ۵۹	۰/۹۶۴	۰/۵۱	سؤال ۲۳	
۰/۹۶۴	۰/۶۰	سؤال ۶۰	۰/۹۶۴	۰/۴۷	سؤال ۲۴	
۰/۹۶۴	۰/۵۶	سؤال ۶۱	۰/۹۶۴	۰/۴۴	سؤال ۲۵	
۰/۹۶۴	۰/۶۳	سؤال ۶۲	۰/۹۶۴	۰/۵۰	سؤال ۲۶	
۰/۹۶۴	۰/۶۱	سؤال ۶۳	۰/۹۶۴	۰/۳۹	سؤال ۲۷	
۰/۹۶۴	۰/۵۳	سؤال ۶۴	۰/۹۶۴	۰/۴۶	سؤال ۲۸	
۰/۹۶۴	۰/۵۳	سؤال ۶۵	۰/۹۶۴	۰/۳۸	سؤال ۲۹	
۰/۹۶۴	۰/۶۴	سؤال ۶۶	۰/۹۶۴	۰/۵۴	سؤال ۳۰	
۰/۹۶۴	۰/۶۳	سؤال ۶۷	۰/۹۶۴	۰/۳۴	سؤال ۳۱	
۰/۹۶۴	۰/۴۵	سؤال ۶۸	۰/۹۶۵	۰/۱۸	سؤال ۳۲	
۰/۹۶۴	۰/۴۸	سؤال ۶۹	۰/۹۶۵	۰/۱۰	سؤال ۳۳	

پایایی با حذف سؤال	همبستگی گویه با کل آزمون	گویه سؤال	پایایی با حذف سؤال	همبستگی گویه با کل آزمون	گویه سؤال	پایایی مقیاس
۰/۹۶۴	۰/۴۹	سؤال ۷۰	۰/۹۶۴	۰/۳۴	سؤال ۳۴	
۰/۹۶۴	۰/۶۱	سؤال ۷۱	۰/۹۶۵	۰/۱۷	سؤال ۳۵	
۰/۹۶۴	۰/۵۵	سؤال ۷۲	۰/۹۶۴	۰/۵۳	سؤال ۳۶	

با توجه به نتایج به دست آمده، پایایی این پرسشنامه برابر ۰/۹۶۵ گزارش شد که نشان دهنده همسانی درونی بالای گویه‌ها با یکدیگر می‌باشد. روش لوپ نیز گویای آن است که با حذف هر گویه میزان پایایی افزایش معناداری نشان نمی‌دهد؛ بنابراین تمامی گویه‌ها برای اندازه‌گیری این متغیر مناسبند. برای دستیابی به روایی سازه از تحلیل عاملی استفاده شد. بدین منظور از نرم‌افزار AMOS استفاده شد.



شکل ۱، مدل تحلیل عاملی تأییدی در حالت ضرایب استاندارد نشده



شکل ۲. مدل تحلیل عاملی تأییدی در حالت ضرایب استانداردشده

جدول ۲: شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تأییدی

شاخص‌های برازش		نام شاخص
مقدار	حد مجاز	$\frac{\chi^2}{df}$
۲/۱۷	کمتر از ۳	
۰/۰۸	کمتر از ۰/۱	RMSEA (ریشه میانگین خطای برآورد)
۰/۹۷	بالاتر از ۰/۹	CFI ^۱ (برازندگی تعدیل یافته)
۰/۹۰	بالاتر از ۰/۹	NFI ^۲ (برازندگی نرم شده)
۰/۹۴	بالاتر از ۰/۹	GFI ^۳ (نیکویی برازش)

^۱. Root Mean Square Error Approximation

^۲. Comparative Fit Index

^۳. Normed Fit Index

AGFI ^۲ (نیکویی برازش تعدیل شده)	۰/۹۱	بالاتر از ۰/۹
--	------	---------------

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول فوق می توان گفت در مجموع، الگو در جهت تبیین و برازش از وضعیت مناسبی برخوردار است و می توان گفت فرض پژوهشگر مبنی بر سه عاملی بودن پرسش نامه باجگیری عاطفی تأیید می شود.

جدول ۳: ضرایب و معناداری مؤلفه های باجگیری عاطفی

مقیاس	متغیر پیش بین	ضریب استاندارد نشده	β استاندارد شده	آماره معناداری	sig
باجگیری عاطفی	احساس ترس	۱/۰۰	۰/۸۴	۲۰/۳۶	۰/۰۰۱
	احساس تعهد	۰/۹۴	۰/۸۵	۱۷/۳۷	۰/۰۰۱
	احساس گناه	۱/۳۹	۰/۸۸	۱۷/۷۹	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج جدول فوق هر سه مؤلفه (احساس ترس، احساس تعهد و احساس گناه) با ۹۵٪ اطمینان زیر مقیاس باجگیری عاطفی قرار می گیرند. به منظور بررسی شواهد همگرا برای متغیر باجگیری عاطفی از دو پرسشنامه ضریب عشق و نشانگان عشق استفاده شد. ضرایب همبستگی بین متغیرها در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴: ضرایب همبستگی بین مقیاس باجگیری عاطفی با مقیاس های ضریب عشق و

نشانگان عشق

مقیاس	۱	۲	۳
۱- باجگیری عاطفی	۱		
۲- ضریب عشق	*۰/۵۳	۱	
۳- نشانگان عشق	*۰/۶۹	*۰/۶۵	۱

* $P < ۰/۰۱$

^۱. Goodness of Fit Index

^۲. Adjusted Goodness of Fit Index

با توجه به نتایج جدول فوق می‌توان گفت بین ضربه عشق و نشانگان عشق و باج‌گیری عاطفی همبستگی وجود دارد. نمره بالاتر در پرسش‌نامه باج‌گیری عاطفی بیانگر ضربه عشق و نشانگان عشق بیشتر است؛ بنابراین پرسش‌نامه باج‌گیری عاطفی از شواهد همگرایی مطلوبی برخوردار است. در نهایت، به‌منظور بررسی پایایی بازآزمایی پرسش‌نامه باج‌گیری عاطفی از روش بازآزمایی با کمک ۳۲ نفر از شرکت‌کنندگان در پژوهش و دو هفته پس از اجرای نخست به کار گرفته شد. برای هر یک از ابعاد پرسش‌نامه، نتایج در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵: شاخص پایایی همسانی درونی ابعاد و کل مقیاس‌های پژوهش

مقیاس/ابعاد	ضریب بازآزمایی
احساس ترس	۰/۹۵
احساس تعهد	۰/۹۱
احساس گناه	۰/۹۰
باج‌گیری عاطفی	۰/۹۶

همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، ضرایب پایایی بازآزمایی پرسش‌نامه در کل مقیاس و ابعاد آن رضایت‌بخش است ($\alpha > 0.7$).

برای محاسبه نمرات معیار Z در دو گروه زنان و مردان، به‌منظور تفسیر نتایج هر یک از زیرمقیاس‌های باج‌گیری عاطفی، به ترتیب زیر محاسبه شد:

جدول ۶: میانگین و انحراف استاندارد مقیاس باج‌گیری عاطفی در گروه مردان و زنان

گروه	متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
مردان	احساس ترس	۸۳	۲۴
	احساس تعهد	۶۱	۱۶
	احساس گناه	۵۶	۱۸
	باج‌گیری عاطفی	۲۰۰	۵۳

۲۴	۸۱	احساس ترس	زنان
۱۷	۵۸	احساس تعهد	
۱۸	۵۰	احساس گناه	
۵۳	۱۸۹	باجگیری عاطفی	

بحث و نتیجه گیری

همانگونه که نتایج پژوهش نشان داد ساختار سه عاملی باجگیری عاطفی در این پژوهش تایید شد.

اگر این مه (ترس، تعهد و گناه) بر زندگی احاطه یابد، نمی توان ثبات عاطفی را در رابطه حفظ کرد.

باجگیرها طرف مقابلشان را متقاعد می سازند که با تکرار الگوی سازش با توقعاتشان و تحت فشار شدیدشان علایق خود را کنار بگذارند. آنها مخالفت های طرفشان را انعکاسی از ندانم کاری ها می دانند، درحالی که خودشان را افرادی با درایت و خوش نیت تلقی می کنند. در جریان های سیاسی، گذراندن حوادث از صافی آدم خوبها / آدم بدها، «تعبیر دلخواه» خوانده می شود. در این روند باجگیرها به طرف مقابلشان می گویند که باید با خواسته های سازش کند، چون نتایجی که به دست می آید، پختگی عقاید و نظرات آنها را می رساند. نظرات آنها بهترین است، پس استحقاق دخالت در زندگی اطرافیان را دارند. در عین حال - گهگاه با مؤدبانه ترین روش ممکن - ما را خودخواه، ناپخته، نادان، قدرناشناس، و ضعیف می خوانند. هر نوع مقاومتی از جانب ما که نشانه دلبستگی به علایق خودمان باشد، از نظر باجگیرها نمادی از خطاهایمان تعبیر می شود.

بر اساس نتایج به دست آمده در این تحقیق فرضیه پژوهشگر مبنی بر سه عاملی بودن پرسشنامه محقق ساخته تأیید می شود و مؤلفه های باجگیری عاطفی ضربه عشق را در دانشجویان شرکت کننده در پژوهش پیش بینی می کند. مثبت بودن ضرایب احساس ترس و احساس گناه نشان دهنده این است که با افزایش این عوامل، میزان ضربه عشق نیز افزایش می یابد؛ اما منفی بودن احساس تعهد بیانگر این است که با افزایش این عامل میزان ضربه عشق کاهش می یابد. این یافته همسو با پژوهش پرونا، لات واگ و آگین (۲۰۰۹) است.

در تبیین این یافته می توان گفت احساس گناه و ترس به نوعی از نگرانی های فرد درباره دیگران، خود و رفتارهایشان نشئت می گیرد. بر اساس پژوهش های انجام شده، شاید احساس گناه هیجانی نامطلوب باشد که به آسانی اصلاح پذیر نیست و سبب استرس، بازداری و آسیب روانی

می‌شود. به‌علاوه، احساس گناه به هر دلیلی، به‌مرور زمان بر تمامی رفتارهای فرد تأثیر می‌گذارد و باعث بروز نشانه‌هایی می‌شود که همپوشانی شایان توجهی با ملاک‌های تشخیصی افسردگی دارد. بر این اساس، به‌نظر می‌رسد افرادی که بیشتر از سایرین احساس گناه و ترس دارند، امکان قرارگرفتن در موقعیت‌هایی نظیر شکست در روابط عاطفی و ضربه عشقی برای آنان محتمل‌تر است. افزون بر آن، به‌نظر می‌رسد در صورت بروز چنین اتفاقاتی، این‌گونه افراد بیشتر دچار آسیب‌های روانی می‌شود که به‌نوبه خود سبب می‌شود روابطشان را به‌درستی مدیریت کنند. مؤلفه دیگر باجگیری عاطفی که در این پژوهش بررسی شد، احساس تعهد در افراد است. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، هر چه احساس تعهد در افراد بیشتر باشد، ضربه عشق کمتری را تجربه خواهند کرد. در توضیح این یافته می‌توان گفت بی‌میلی به تعهد در افراد سبب شکست عاطفی در روابطشان می‌شود؛ بنابراین، هرچه احساس تعهد در افراد بالاتر باشد، احتمال ضربه عشق در روابطشان کمتر می‌شود.

منابع فارسی

- تی کوپینک، الکس. ال کوئینک، نائومی. (۱۹۹۷). **عشق های واقعی**. (ترجمه سیمن موحد، ۱۳۹۲)، تهران: بنیاد فرهنگی زندگی.
- جانسون، سوزان ام. ویفن، والر ای. (۲۰۰۳). **فرآیندهای دلبستگی در زوج درمانی و خانواده درمانی**. (ترجمه دکتر فاطمه بهرامی و همکاران، ۱۳۹۲). تهران: نشر دانژه.
- دهقانی، محمود. (۱۳۸۹)، **کارایی روان‌درمانی کوتاه مدت تعدیل‌کننده اضطراب بر نشانگان ضربه عشق**. پایان‌نامه دکترا. گروه روانشناسی بالینی. دانشکده انستیتو روانپزشکی تهران و مرکز تحقیقات بهداشت روان.
- فوروارد، سوزان. (۱۹۹۷). **باج‌گیری عاطفی**. (ترجمه منیژه شیخ‌جوادی، ۱۳۹۲). تهران: پیکان.
- کرلینجر، فرد. **رگرسیون چند متغیری در علوم رفتاری**. (ترجمه حسن سرایی، ۱۳۸۴). تهران: سمت.

References

- Christie, R., & Geis, F. L. (1970). **Studies in Machiavellianism**. New York: Academic Press.
- Gavin Miller, R. D. (2004). *Laing*. p. 52

- Hambleton, R.K., & Swaminathan, H. (1985). **Item Response Theory: Principles and applications**. Boston: KluwerNijhoff.
- Johnson, R. Skip (2014). "**Emotional Blackmail: Fear, Obligation and Guilt (FOG)**". **BPDFamily.com**. Retrieved 18 October 2014.
- Nattally, J.C;& Bernstein, I. H. (1994). **Psychometric theory**. (third). New York: McGraw Hill.
- Nigel Rapport ed., **British Subjects** (Oxford 2002) p. 141
- Parkes, C.M. (2006), **Love and Loss: the roots of grief and its complications**. **Routledge. Taylor and Francis Group**. London and New York.
- Rosse RB. (1999). **The love trauma syndrome: free yourself from the pain of a broken**. **Perseus publishing**, a Member of the Perseus Books Group.
- Shiou-Yu Chen,(2010)."**Relations of Machiavellianism with emotional blackmail orientation of salespeople**", 2010, p. 294.
- Stanlee Phelps/Nancy Austin, (1987) **The Assertive Woman** p. 133
- Tabachnick B, Fidell L. (2001). **Using multivariate statistic**. 4th ed. Boston: Allyn and Bacon; 2001: 91,331.

